

کاهش سطح تولید نفت خام دویی و نقش آن به عنوان نفت خام شاخص

سطح تولید نفت خام دویی در حال حاضر کاهش یافته و به حدود ۱۷۰ هزار بشکه در روز رسیده و در واقع به کمتر از ۱۱ میلیون در ماه تنزل یافته است. همین کاهش فیزیکی، نفت خام دویی را به عنوان مبنای این نفت قیمت گذاری حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز نفت خام خلیج فارس که به بازارهای آسیا-پاسفیک روانه می شوند، زیر سؤال برده است. در گذشته، معامله گران معتقد بودند که وجود حداقل ۱۰ میلیون در ماه می تواند موجب حفظ موقعیت این نفت خام به عنوان مبنای محاسبه نفت خام خاورمیانه برای بازار فوق الذکر باشد. ولی معامله گران به خاطر نبود نفت خام دیگری که بتواند جانشین آن شود، می گویند علی رغم کاهش سطح تولید، طی سال های متمادی آتی همچنان از نفت دویی به عنوان شاخص استفاده خواهند کرد.

تولید این نفت از بالاترین میزان یعنی ۴۱۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۱ به حدود ۲۱۰ هزار بشکه در اوایل سال گذشته تنزل یافت. اما میزان کاهش تولید آن در دوازده ماه گذشته بیش از ۴۰ هزار بشکه در روز بوده است حال آنکه کاهش تولید نفت دویی در سال های قبل از آن حدود ۲۰ هزار بشکه در روز بود.

این افت سطح تولید، رونق بازار پیش فروش، یا نقدی را کاهش داده است. با توجه به قیمت دویی در ماه های مختلف و اختلاف قیمت برنت و دویی، حجم داد و ستد این نفت به یک معامله در روز تنزل یافته و بر اساس آمار مربوط به معاملات، فعالیت مربوط به توزیع قیمت های بین ماه های مختلف از اواسط دهه ۹۰ تاکنون به نصف تقلیل یافته است.

فعالیت معاملاتی در مورد توزیع قیمت

برنت و دویی وضع بهتری داشته، در واقع توزیع قیمت برنت و دویی عامل اصلی موجودیت بازار نقدی بوده و به معامله گران این امکان را می داده که با استفاده از این موضوع و با بازار برنت پررونق تر، ارزش دویی را تعیین کنند.

بازار پیش فروش برای آن دسته از سهام داران دویی که محموله های فیزیکی قابل ارایه دارند، مانند کانوکو، توتال فینالاف، رپسول وای پی اف، و رایسنول اندونیشرال آلمان، مفید به فایده می باشد. علاوه بر این برای شرکت هایی چون شل، بی پی آموکو، کالتکس و معامله گرانی چون فیبرو، گلنکور، آوکادیا، مورگان استانی و جی آرون نیز قابل استفاده بوده است.

با این وصف ماهیت سخت بازار پیش فروش معامله گران را به سمت بازار معاوضه ای (SWAP) دویی که از نظر حجمی تا سطح ۸ میلیون بشکه در روز افزایش یافته، سوق داده است. حجم مورد معامله در معاوضه متفاوت است، حال آنکه در بازار پیش فروش، خریدار در مورد یک محموله ۵۰۰ هزار بشکه ای متعهد می شود. معاملات معاوضه ای دویی معمولاً در محموله های کوچک ۵۰ هزار بشکه ای یا محموله های بزرگ ۱ میلیون بشکه ای صورت می گیرد. و از آنجا که معاملات معاوضه ای منجر به تحویل فیزیکی نمی شود، معامله گران نگران این نیستند که برای اجتناب از نفت فیزیکی، وضعیت خود را به دیگری واگذار کنند.

اما مهمترین نقطه قوت نفت خام دویی این است که جایگزینی برای آن وجود ندارد. میزان تولید نفت خام عمان که ۹۰۰ هزار بشکه در روز است مهمترین عامل فعالیت بازار تک محموله ای در منطقه به حساب می آید. اما مقادیر تک محموله ای به قیمت فروش رسمی عمان معامله نمی شود، و مبنای قیمت، همان قیمت دویی است نفت خام عمان نمی تواند یک شاخص مستقل به حساب آید مگر آنکه به روشی متفاوت و مثلاً در برابر برنت معامله شود.

در ماه آینده بازار نایمکس قرارداد نفت خام ترش خاورمیانه ای خود را راه اندازی می کند، ولی در این مورد نیز از دویی به عنوان شاخص استفاده خواهد شد. چنانچه موقعیت آن مدنظر باشد، نایمکس باید از بازار معاوضه ای دویی به عنوان مطلوب ترین ابزار قابل استفاده در منطقه آسیا-پاسفیک در رابطه با نفت خام های خاورمیانه بهره برداری نماید. البته ممکن است بین معاملات معاوضه ای که به صورت الکترونیکی انجام می شود و قرارداد جدید

نایمکس که از طریق سیستم ACCESS صورت می گیرد، اختلافات شدیدی بروز کند.

اما قرارداد نایمکس باید فعالیت بسیاری از خود نشان دهد تا موفق شود. در حالی که تولیدکنندگان حوزه خلیج فارس مایل نیستند به بازار معاملات سلف تن دهند، حتی در صورتی که آماده باشند با قیمت های سلف مرتبط شوند، این قرارداد تحت تسلط خریداران خواهد بود.

اوپک و بازار نفت شماره ۸۴

محدوده قیمت اوپک و بازارهای آتی

اوپک پس از آنکه در سال گذشته با کنترل میزان تولید سبب افزایش سطح قیمت ها به میزان قابل توجهی شد، ماه گذشته با افزایش سطح تولید و تعیین محدوده قیمت، بازار به شدت متشنج نفت را تا حدودی آرام کرد.

این ایده (تعیین محدوده قیمت برای نفت) در حقیقت بازار محموله های تحویل آتی در نیویورک و لندن را به چالش می طلبد. بازارهای مذکور در سیطره شرکت های بزرگ نفتی و بانک ها قرار داشته و در حقیقت در دهه ۱۹۸۰ جانشین اوپک به عنوان تعیین کننده قیمت جهانی نفت شدند. معامله گران محموله های تحویل آتی عادت داشتند که قیمت نفت خام های پایه مانند متوسط وست تگزاس (WTI) را در صفحه رایانه های خود دنبال کنند. اما اکنون با اشتیاق گوش به دیرخانه اوپک سپرده تا مطلع شوند آیا سطح قیمت ها از محدوده ۲۸-۲۲ دلار خارج شده و در چنین حالتی اوپک دستور تعدیل سطح تولید برای بازگرداندن قیمت ها به محدوده مذکور را صادر کرده است. یکی از مقامات ارشد نفتی ونزوئلا که نخواست نامش اعلام شود گفت: تصمیمات اخیر اوپک دو پیام را می رساند. اولاً اینکه اوپک از صحنه خارج نشده ثانیاً این سازمان در پی اجحاف و زورگویی نیست. علی رودریگز، رئیس اوپک می گوید سیاست جدید اوپک ثابت می کند که این سازمان از اشتباهات قبلی خود درس لازم را گرفته است. این سیاست با روش این سازمان در دهه ۱۹۷۰

تفاوت ماهوی دارد. در آن زمان اوپک غربی‌ها را مورد باج‌خواهی قرار داد و در مقاطعی آنها را مجبور کرد که برای یک بشکه نفت ۴۰ دلار پرداخت کنند. اخیراً رودریگز اعلام کرد: زمان مناسب برای اقدام مقتضی را خود بازار نفت نشان خواهد داد. همان‌گونه که بانک‌های مرکزی در زمان مناسب در سیاست‌های پولی دخالت می‌کنند. در ۱۴ ماه گذشته، قیمت سبد نفتی اوپک کمتر از ۱۰ دلار در هر بشکه در فوریه ۱۹۹۹ تا بیش از ۳۰ دلار در اوایل ماه مارس سال جاری در نوسان بوده است. در دو هفته اولی که این محدوده قیمت (۲۸-۲۲ دلار در هر بشکه) توسط اوپک اعلام شد، قیمت این سبد در سطحی بیشتر از ۲۲ دلار در هر بشکه در نوسان بود. براساس شیوه جدید، اگر قیمت متوسط سبد نفتی اوپک در ۲۰ روز کاری از محدوده ۲۸-۲۲ دلار در هر بشکه خارج شد، این سازمان با یک افزایش و یا کاهش ۵۰۰ هزار بشکه در روزی (۰/۶ درصد تولید جهانی) تلاشی خواهد کرد که قیمت سبد نفتی اوپک را به محدوده مذکور بازگرداند. سهم هر یک از اعضای اوپک در کاهش و افزایش تولید برای سهم آنها در تولید ۲۴/۷ میلیون بشکه‌ای این سازمان خواهد بود. این ایده در سال گذشته توسط رودریگز پیشنهاد شده بود. بنیان‌گذاران اوپک در حقیقت از یک کارتل نفتی به نام TEXAS RAILROAD COMMISSION که در سال ۱۸۹۱ به وجود آمده بود الگو برداری کردند. کارتل مذکور در اصل جهت کنترل خطوط راه‌آهن در امریکا به وجود آمده بود اما طی سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۳۰ جهت کنترل قیمت نفت در امریکا، تولید نفت این کشور را نیز کنترل می‌کرد. ایالات متحده که از یک صادرکننده بزرگ نفت به بزرگترین واردکننده نفت جهان تبدیل شده، اکنون بر این اعتقاد است که رقابت بازار آزاد بایستی قیمت نفت را مشخص کند. اما در ۱۹۹۸ و اوایل ۱۹۹۹ زمانی که سطح قیمت‌های نفت به شدت سقوط کرده بود، قیمت‌شکنی کرده و تلاش نمودند تا آنها را در دادگاه‌های امریکا به محاکمه بکشند.

رودریگز می‌گوید حتی بیل کلینتون نیز گفته است ۳۰ دلار قیمت خیلی بالایی و ۱۰ دلار نیز قیمت خیلی پایینی است، خوب این هم نوع محدوده قیمت است ولی وسعت آن زیاد می‌باشد! منتقدین این ایده (تعیین محدوده قیمت‌ها) می‌گویند محدوده قیمت اوپک آنچنان در سطح بالایی قرار دارد که باعث تشویق

سرمایه‌گذاران (در بخش بالادستی) در خارج از اوپک خواهد شد و کلاً این سیستم ضعیف‌تر از آن است که بتواند بازار معاملات آتی را به چالش بطلبد. حامیان این نظریه نیز معتقدند این سیستم به اندازه کافی برای بازار جای مانور گذاشته است و در صورت لزوم می‌توان محدوده قیمت و میزان افزایش و کاهش تولید را نیز تغییر داد. رودریگز می‌افزاید بهترین حالت آن است که محدوده قیمت را تا حد امکان کوچک کنیم اما این کوچک‌ی نباید به اندازه‌ای باشد که انعطاف‌پذیری بازار از بین رفته و حفظ سطح قیمت‌ها در آن محدوده مستلزم دخالت‌های بیشمار باشد.

به گفته مقامات نفتی ونزوئلا، اگر هدف از تعیین محدوده قیمت توسط اوپک ایجاد ثبات در درآمدهای نفتی کشورهای اوپک است، مسئله بعدی که بایستی در این سازمان مورد بحث قرار گیرد مسئله مالیات‌ها است. غربی‌ها با وضع مالیات بر نفت، مانع از افزایش شدید مصرف آن طی ۲۰ سال گذشته شده‌اند. این امر علاوه بر جلوگیری از مصرف بی‌رویه مواد نفتی، درآمدهای کلانی نیز نصیب دولت‌های غربی کرده است. از سوی دیگر ساختار اقتصادی آنها که همان اقتصاد بازار آزاد می‌باشد، کشورهای تولیدکننده نفت را تشویق می‌کند تا حق امتیاز بهره‌برداری برای شرکت‌های نفتی خارجی را کاهش دهند. بسیاری از اعضای اوپک بر این عقیده‌اند که این روش، شیوه‌ای مخرب برای اقتصاد آنها بوده و سبب می‌شود که سرمایه کشورهای فقیر تولیدکننده روانه کشورهای ثروتمند مصرف‌کننده شود. بازار نفت شماره ۳۰۰۳، به نقل از رویتر

تورم، رکود اقتصادی.... یا اطلاعات غلط

طی سه ماهه گذشته برای اعمال حداکثر فشار بر اوپک جهت افزایش تولید و بتبع آن کاهش قیمت‌ها، هیچگونه محدودیتی در نظر گرفته نشد. از طریق تهدیدات سیاسی، اطلاعات غلط و آمارهای ناقص فشارهای زیادی بر اوپک وارد شد. هدف جا انداختن این عقیده بود که افزایش قیمت نفت عامل اصلی تورم جهانی و

تهدیدکننده جدی رشد اقتصادی در کشورهای واردکننده نفت بوده و در این میان انگشت اتهام به طرف اوپک بود. نگاهی به آمار و ارقام صندوق بین‌المللی پول (IMF) و یا بانک جهانی کافی است تا به میزان صحت گفته‌های فوق پی ببریم که چگونه آن شستشویهای مغزی واقعیت را قلب کرده است.

تورم

افزایش قیمت‌های نفت از مارس ۱۹۹۹ احتمالاً ۰/۳-۰/۲۵ درصد بر نرخ تورم جهانی افزوده است. بر اساس برآوردهای IMF در سال ۱۹۹۸ نرخ تورم جهانی ۵/۸ (با توجه به اینکه قیمت نفت در آن سال بسیار پایین بود) و در سال ۱۹۹۹ حدود ۶ درصد بوده است. گرچه هرگونه عاملی که باعث تورم شود ناخوشایند است، اما مسئله اینجاست که چرا تمامی این قیل و قال مربوط به ۰/۲ یا ۰/۳ درصد که مربوط به افزایش قیمت نفت است بوده و در مورد ۵/۸ درصد بقیه سخنی به میان نمی‌آید. این مسئله را چگونه می‌توان توجیه کرد که ۵/۸ درصد تورم طبیعی بوده و هرچه بدی است مربوط به آن ۰/۲ درصد تورم ناشی از افزایش قیمت‌های نفت می‌باشد.

تا جایی که به کشورهای صنعتی مربوط می‌شود افزایش قیمت‌های نفت در سال ۱۹۹۹ تأثیرات منفی چندانی بر اقتصاد آنها نداشته است.

رشد اقتصادی

در رابطه با رشد اقتصادی باید گفت قیمت‌های بالای نفت تأثیر منفی چندانی بر رشد اقتصادی کشورهای صنعتی نداشته است. اما باید اذعان کرد تأثیر قیمت‌های بالای نفت بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای صنعتی بوده ولی حتی این تأثیرات نیز خیلی قابل توجه نیست. برخی تحلیل‌گران تلاش کرده‌اند تا تأثیر قیمت‌های بالای نفت را بر اقتصاد کشورهای جنوب شرقی آسیا، بیش از حد جلوه دهند. گویی آنها فراموش کرده‌اند که بحران اقتصادی آسیا در سالهای ۹۸-۱۹۹۷ روی داد یعنی زمانی که قیمت‌های نفت به شدت سقوط کرده بود.

IMF در آخرین برآوردهای خود از اقتصاد جهانی که در روز ۱۲ آوریل منتشر شده است میزان رشد اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۰ را ۴/۲ درصد و در سال ۲۰۰۱ حدود ۳/۹ درصد

حلقه گمشده

زکسی یمانی وزیر نفت اسبق عربستان سعودی می‌گوید: عربستان سعودی و سایر تولیدکنندگان نفت در خلیج فارس بایستی بخش بیشتری از نفت خام صادراتی خود را به صورت تک محموله‌ای (SPOT) بفروش برسانند. این امر سبب خواهد شد که سطح قیمت‌های نفت به ارزش واقعی خود نزدیک‌تر شوند. این پیشنهاد صریح بدان معنی است که سیستم فعلی فروش به صورت قراردادهای درازمدت (TERM) که در سیستم قیمت‌گذاری به شاخص‌های مختلفی مرتبط بوده و محدودیت‌هایی را نیز برای مقصد نهایی نفت خام شامل می‌شود، نه تنها منسوخ بوده بلکه عامل بی‌ثباتی بازار نیز می‌باشد. فروش بر اساس قراردادهای درازمدت میزان نفت تخصیصی به بازارهای شرق و غرب را از حالت طبیعی خود خارج کرده، باعث تشدید نوسانات بازار شده و همچنین معیار برنامه‌های اوپک برای تنظیم میزان تولید در صورت خارج شدن سطح قیمت‌های نفت از محدوده ۲۸-۲۲ دلار در هر بشکه است. با همه این تفاسیر امید به پیدایش یک بازار نفت فعال در خلیج فارس بلند پروازانه بوده و همتی بلند می‌طلبد. تولیدکنندگان نفت این منطقه تا تبدیل شدن به سودگرانی فعال راهی دراز در پیش دارند. به عبارت دیگر اول بایستی راه رفتن را آموخت و سپس دویدن را. درخواست از تولیدکنندگان نفت در خلیج فارس برای عرضه بخش بیشتری از نفت خود به صورت فروش‌های تک محموله‌ای، مقوله جدیدی نیست. ولی تولیدکنندگان این منطقه از تغییر رویه خود ناراضی بوده و به نظر نمی‌آید که به این زودی‌ها شیوه خود را تغییر دهند. اما حقیقت آن است که اجباراً شاهد نوعی تغییرات خواهیم بود. میزان تولید نفت خام دویی رو به کاهش بوده و بزودی دیگر نخواهد توانست که به عنوان یک شاخص معتبر برای ۱۰ میلیون بشکه در روز نفت خامی که از خلیج فارس روانه بازارهای نفتی شرق می‌شود، عمل کند. سعودی‌ها از هم‌اکنون بخاطر نگرانی که از سازش در رابطه با قیمت‌های محموله‌های برنت موعدهار داشته‌اند، در فروش‌های خود قیمت محموله‌های تحویل آتی بازار نفت لندن (IPE) را ملاک قرار داده‌اند. عربستان ممکن است که این شیوه را برای محموله‌های به مقصد شرق نیز

پیش‌بینی کرده است. IMF به خصوص میزان رشد اقتصادی در اروپا و آمریکا را بیش از گذشته پیش‌بینی کرده است (حدود ۴/۳ درصد در سال ۲۰۰۰) بدین ترتیب این رکورد اقتصادی که از آن صحبت به میان می‌آید در کجاست. واقعه دیگری که صحبت زیادی از آن به میان نمی‌آید آن است که کشورهای عضو اوپک نیز جزء کشورهای در حال توسعه بوده و از وضعیت اقتصادی چندان مطلوبی برخوردار نیستند و برای اکثریت آنها قیمت نفت نقش مهمی در اقتصادشان ایفا می‌کند. از کشورهای عضو اوپک تصویری غلط در اذهان ایجاد شده است. در سال ۱۹۹۹ درآمد سرانه کشورهای اوپک با مجموع جمعیتی برابر ۵۱۷ میلیون نفر ۱۹۱۰ دلار بوده است در حالی که درآمد سرانه کشورهای صنعتی بین ۳۶۷۴۰-۱۹۸۵۰ دلار است. علی‌رغم افزایش قیمت‌های نفت در سال ۱۹۹۹، مجموع صادرات نفت کشورهای عضو اوپک ۱۵۲ میلیارد دلار بوده است که تنها ۲/۷ درصد از کل صادرات جهانی (تمامی کالاها) که حدود ۵۵۴۲ میلیارد دلار است را تشکیل می‌دهد. هر یک از کشورهای بلژیک با ۱۰/۲ میلیون نفر جمعیت و هلند با ۱۵/۶ میلیون نفر جمعیت به تنهایی ارزش کالای صادراتی شان در سال از کل صادرات نفت تمامی کشورهای اوپک بیشتر است.

ذخیره‌سازی‌های نفتی

مسئله دیگری که معمولاً مورد بحث قرار می‌گیرد مسئله ذخیره‌سازی‌های نفتی است. کشورهای مصرف‌کننده می‌گویند میزان تولید باید به اندازه‌ای باشد که نه تنها جوابگوی مصرف باشد بلکه بتوان مقداری از آن را نیز ذخیره‌سازی کرد. میزان این ذخیره‌سازی‌ها را نیز ما تعیین می‌کنیم بدیهی است که ذخیره‌سازی‌ها به عنوان وسیله‌ای برای فشار بر اوپک عمل می‌کنند.

همین کشورهای صنعتی برای جلوگیری از سقوط قیمت تولیدات کشاورزی به کشاورزان خود یارانه پرداخت می‌کنند که بخشی از زمین‌های خود را زیر کشت نبرند در حالی که تعداد زیادی از مردم جهان سوم از گشنگی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. کسی هم در کشورهای جهان سوم جرأت مطرح کردن این مسائل را ندارد.

بازار نفت شماره ۳۰۰۷،
نقل از ARAB OIL and GAS

بکار بندند. میزان معاملاتی که بر روی نفت خام دویی صورت می‌گیرد از نفت خام برنت موعدهار نیز کمتر است. تعداد محموله‌های دویی که هر ماه مورد داد و ستد قرار می‌گیرد ۱۰ محموله می‌باشد در حالی که تعداد محموله‌های برنت موعدهار که در هر ماه مورد معامله قرار می‌گیرند ۳۰ محموله است. مرتبط کردن قیمت نفت‌خام‌های خلیج فارس با قیمت محموله‌های تحویل آتی در بازار IPE بر قابلیت خرید و فروش آنها خواهد افزود و ممکن است تنها راه عملی برای بهبود سیستم قیمت‌گذاری نفت‌خام‌های خلیج فارس باشد. محموله‌های نفت خلیج فارس که برای رسیدن به بازار غرب راهی طولانی را طی می‌کنند، از نظر زمان رسیدن به بازارهای غرب و ارزش محموله‌های تحویلی آتی در آن زمان دارای وجوه مشترکی می‌باشند.

احتمال دیگر آن است که قراردادهای محموله‌های تحویل آتی نفت‌خام‌های خاورمیانه که قرار است در بازار NYMEX مورد داد و ستد قرار گیرد، باعث افزایش حجم معاملات و رونق آن در خلیج فارس شود. از ماه آینده این نوع قراردادهای براساس قیمت نفت‌خام‌های عمان و دویی در دسترس خواهد بود. تعیین نفت‌خام‌های پایه برای استفاده بر فرمول‌های قیمت‌گذاری، در حقیقت ارتباط دادن محموله‌های تحویل آتی با محموله‌های تحویل فوری است. ۶ سال پیش شرکت ARAMCO عربستان سعودی قیمت نفت خام WTI را جانشین ANS (نفت‌خام شمال آلاسکا) در فرمول‌های قیمت‌گذاری نفت‌خام‌های خود به مقصد آمریکا کرد. علت این امر کاهش قابلیت داد و ستد ANS بوده است. در حال حاضر خریداران اروپایی نیز خطر ناشی از اختلاف قیمت محموله‌های تحویل فوری که قیمت آن بر اساس محموله‌های برنت مدت‌دار تعیین می‌شود و قیمت محموله‌های عربستان (که چند هفته تا اروپا در راه هستند) را می‌پذیرند.

راه‌حل مناسب برای شفاف‌تر کردن قیمت‌ها شاید این باشد که قیمت محموله‌ها در قراردادهای درازمدت براساس قیمت محموله‌های تحویل آتی تعیین شود. در حال حاضر ۱۵ میلیون بشکه در روز از خلیج فارس نفت صادر می‌شود که معادل ۵۰ درصد نفت خام مورد معامله در جهان است. صادرکنندگان نفت خلیج فارس تاکنون به خاطر عدم شفافیت بازار و اعمال برخی تبعیض‌ها از فروش‌های خود به

بازارهای شرق منافع بیشتری را کسب می‌کردند. اما با تشدید رقابت در بازارهای نفتی آسیا تا حدودی از مزیت نسبی این بازار برای صادرکنندگان نفت خلیج فارس کاسته شده است.

پیشنهاد زکی یمانی برای فروش بیشتر نفت خام به صورت تک محموله به آسانی امکان‌پذیر نیست. تولیدکنندگان خلیج فارس به آسانی حاضر به تغییر رویه سستی خود نیستند و ممکن است برای فروش‌های خود به صورت تک محموله‌ای قیمت‌های بیشتری را طلب کنند. در هر صورت تعیین قیمت نفت خام بر اساس شاخص‌های منطقی تر و به کار بردن آنها برای تمامی بازارها کاری درست به نظر می‌آید.

بازار نفت شماره ۳۰۰۵،
به نقل از پترولیوم آرگوس

بخوبی گذاشته شده است اما انجام معاملات بر روی محموله‌های واقعی (PHYSICAL MARKETS) در تجارت الکترونیکی شاید بیش از حد محدود و انحصاری باشد. بجای استفاده از قیمت محموله‌های آتی در معاملات تامینی (HEDGING)، با فعال بودن یک بازار منسجم و کارآمد با استفاده از تجارت الکترونیکی می‌توان با در اختیار داشتن منظری وسیع از وضعیت انواع نفت خام خطرات احتمالی در معاملات را به حداقل رسانده و تحت کنترل قرار داد. بازار محموله‌های تحویل آتی باعث شفافیت و تسهیل معاملات در بازار نفت شده است. اما این بازار از تنوع لازم برای نفت‌خامهای گوناگون برخوردار نیست.

یک شرکت هواپیمایی می‌تواند در رابطه با هزینه‌های مربوط به سوخت مصرفی هواپیمای خود وارد معاملات تامینی سوخت حرارتی و یا حتی نفت خام متوسط وست تگزاس (WTI) شود. اما با همه این احوال با معاملات تعویضی به قیمت‌هایی که به واقعیت نزدیکتر خواهد بود دست خواهیم یافت. ولی مشکل از آنجا ناشی می‌شود که بازارهای معاملات تعویضی از انسجام و شفافیت کافی برخوردار نبوده و از کارآمدی لازم نیز برخوردار نیستند. معاملات تعویضی از مقرراتی که جهت جلوگیری از مغشوش کردن بازار توسط معامله‌گران بزرگ وضع شده معاف می‌باشند. متأسفانه راه سومی وجود ندارد که هم مزایای معاملات تعویضی و هم معاملات محموله‌های تحویل آتی را دربر داشته باشد. جفری سپرچر، رئیس بازار بین قاره‌ای (INTERCONTINENTAL EXCHANGE) می‌گوید: می‌دانیم که بازار کنونی از کارآمدی لازم برخوردار نبوده و ما خواهان اصلاح آن هستیم.

دانیل راپپورت رئیس بازار نفت نیویورک (NYMEX) می‌گوید: تجارت الکترونیکی خطوط قرمز مقررات حاکم بر بازار را مورد آزمایش قرار خواهد داد. ممکن است بوجود آوردن یک بازار الکترونیکی که خواسته همگان را برآورده کند امکان‌پذیر نباشد. باید سازشی در برخی موارد صورت گیرد. مثلاً مشکلاتی که در رابطه با فعالیت شرکت‌های بزرگ و کوچک بوجود می‌آید به نحوی حل شده و میان تسهیلات و مقررات نیز رابطه‌ای منطقی ایجاد شود.

ابزاری مانند بازارهای آتی منافع زیادی را برای صنعت نفت دربر داشته است. می‌توان

انتظار داشت که تجارت الکترونیکی نیز چنین منافعی را برای صنعت نفت تأمین کند. قانون‌گذاران بایستی خود را با فن‌آوری‌های جدید وفق دهند. مهمترین مسئله نیز آن است که قیمت‌گذاری بایستی کاملاً شفاف بوده و نبایستی آن را پنهان داشت.

بازار نفت شماره ۳۰۱۷،
به نقل از پترولیوم آرگوس

مالیات‌ها، علت اصلی افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان

وقتی که قیمت فرآورده‌های نفتی مانند بنزین، گازوئیل و... بیشتر از حد معمول افزایش می‌یابد، در می‌یابیم که فن‌آوری‌های جدید مانند اینترنت‌ها تا چه اندازه در زندگی مردم تأثیرگذار باشد و آنها را در جریان آخرین اطلاعات و اخبار قرار دهد. با وجود این و علی‌رغم پیشرفت توقف ناپذیر فن‌آوری‌های مختلف، برخی از مسائل خیلی دیر تغییر پیدا می‌کنند. دلیل مطالب مذکور آن است که اوپک هر ماه صدها نامه الکترونیکی (E-MAIL) دریافت کرده که در آنها از قیمت‌های بالای فرآورده شکایت شده است. در آن نامه‌ها کشورهای صادرکننده نفت به افزایش تولید برای کاهش قیمت فرآورده (و نه نفت خام) ترغیب شده‌اند. علی‌رغم تمامی تلاش‌های اوپک تعداد زیادی از مردم هنوز معتقدند که رابطه مستقیمی میان قیمت نفت خام و فرآورده‌های مصرفی آنها وجود دارد. به عبارت دیگر آنها تصور می‌کنند که اگر اوپک تولید خود را افزایش دهد آنها برای پر کردن باک بنزین خود و یا گرم کردن خانه‌شان پول خیلی کمتری خواهند پرداخت. با وجودی که برای رفع این تصور غلط تلاش‌های زیاد و مستمری صورت گرفته است، اما ظاهراً تکرار این تلاش‌ها هنوز هم ضرورت دارد. اوپک به کرات این مسئله را روشن کرده است که در بسیاری از کشورهای مصرف‌کننده نفت، ارتباط مستقیمی میان قیمت نفت خام و قیمت‌های فرآورده وجود ندارد. دلیل این امر را نیز می‌توان در یک کلمه بیان کرد، مسایلات‌ها. در مسواری ۸۰ درصد قیمت فرآورده‌های نفتی در کشورهای مصرف‌کننده،

ابداع بازار الکترونیکی

تجارت الکترونیکی انقلابی را در بازارهای نفت نوید می‌دهد. به‌کارگیری سیستم‌های الکترونیکی در بازار نفت (مانند بازارهای ENYMEX و ENRON ONLINE) آغاز خواهد شد، شیوه نوینی که می‌تواند نحوه عملیات در بازار نفت را متحول کند. اعتقاد بر این است که بهره‌مند شدن از منافع بازارهای تحویل آتی و امکان انجام معاملات تعویضی (SWAP) بدون نیاز به مجوز و یا ترتیباتی خاص باعث پیدایش بازاری منسجم و کارآمد با بهره‌وری بیشتر می‌شود.

با وجود این حتی ترغیب‌کنندگان تجارت الکترونیکی نیز کاملاً مطمئن نیستند که چگونه رسیدن به چنین امری ممکن خواهد بود. علی‌رغم منافع زیادی که تجارت الکترونیکی دربر خواهد داشت چگونگی مقابله با خطرات احتمالی این نوع معاملات برای طرفین معامله و همچنین جلب رضایت ناظران و اداره‌کنندگان بازار از جمله مشکلات پیش روی تجارت الکترونیکی است. سهولت و تسریع معاملات در تجارت الکترونیکی بزرگترین مزیت این نوع معاملات بوده و باعث کاهش هزینه‌ها نیز می‌شود. در حقیقت معاملات تعویضی بخشی از معاملات محموله‌های تحویل آتی می‌باشد که بنیان آن نیز

شش خواهر در مناقصه پتروشیمی ایران

به گفته شرکت ملی پتروشیمی ایران شش شرکت بین‌المللی پتروشیمی اسناد خود را برای شرکت در مناقصه‌های مربوط به ساخت یک کارخانه ۶۰۰ میلیون دلاری در ساحل خلیج فارس در ایران تحویل داده‌اند، در عین حال مدت تعیین شده برای اعلام مناقصه ساخت کارخانه دیگری در همان منطقه تمدید شده است.

بنا به گزارش خبرنامه تخصصی میدل ایست اکونومیک سروی، چاپ قبرس، احتمال می‌رود که شرکت ملی پتروشیمی ایران کنسرسیومی متشکل از این شش شرکت - احتمالاً شرکت‌های ایرانی - براساس تخصص‌های متفاوت آنها انتخاب کند.

این پروژه که آروماتیک ۴ نامیده می‌شود، قرار است در عسلویه ساخته شود و برای تولید سالانه ۷۴۰ هزار تن پارازیلین، ۴۲۰ هزار تن بنزن و ۱۰۰ هزار تن ارتوزایلین از مواد اولیه حاصله از حوزه گاز پارس جنوبی استفاده کند.

به گزارش میدل ایست اکونومیک سروی، شش شرکت بین‌المللی فوق‌الذکر شامل شرکت‌های ژاپنی JGC، شرکت مهندسی توپو Toyo و شرکت مهندسی شیمیایی چیودا Chiyoda، گروه کره‌ای ال جی، شرکت آلمانی کرپ اوده Kruppohda و شرکت فرانسوی تکنیپ Technip است و انتظار می‌رود که تصمیم نهایی در این مورد تا ماه ژوئیه اتخاذ شود.

شرکت‌هایی که برای پروژه آروماتیک ۴ انتخاب می‌شوند موظف به اعطای مجوز تجهیزات و مواد و همچنین ارایه کمک‌های فنی و مالی در طول مدت ساخت و آغاز به کار کارخانه خواهند بود.

به گفته میدل ایست اکونومیک سروی علت به تعویق افتادن مناقصه مربوط به پروژه اولفین ۹، تغییر در ظرفیت تولید اتیلن و واحدهای مربوط به فروش و توزیع این کارخانه بوده است. شرکت ملی پتروشیمی ایران ارقام جدید را فاش نکرد.

در ابتدا قرار بر این بود که کارخانه فوق هر ساله یک میلیون تن محصول برای واحد اتیلن

مالیاتی است که دول این کشورها بر فرآورده‌های نفتی وضع کرده‌اند. بدین ترتیب مصرف‌کنندگان فشار را تحمل کرده، تولیدکنندگان نفت نیز از درآمدهای بیشتر محروم می‌شوند. شرکت‌های بزرگ و کارخانه‌های معظم به خاطر پرداخت هزینه‌های سنگین برای سوخت و انرژی در حقیقت منافع زیادی را از دست می‌دهند. آنها می‌دانند که این هزینه‌های زیاد توسط دولت‌های متبوع‌شان به آنها تحمیل شده است و نه اوپک. شاید برای دولت‌های مذکور اوپک بهترین سپر بلا بوده تا تمامی گناهان مربوط به قیمت‌های بالای انرژی را به گردن آن بیاندازند. در هر صورت پیدا کردن عوامل اصلی قیمت‌های بالای فرآورده کار دشواری به نظر نمی‌رسد.

میزان مالیات بر فرآورده‌های نفتی در کشورهای مصرف‌کننده متفاوت است. مثلاً در اروپا مالیات بالای سوخت سبب شده است که قیمت بنزین در کشورهای این منطقه ۳-۴ برابر قیمت آن در آمریکا باشد. جالب اینجاست با وجودی که قیمت بنزین در آمریکا به خاطر پایین بودن میزان مالیات‌ها نسبت به سایر کشورهای صنعتی پایین‌تر است، اما بیشترین نامه‌های اعتراض‌آمیز رسیده به اوپک از آمریکا است. علت این امر آن است که مالیات‌های کمتر در آمریکا سبب شده است تا قیمت فرآورده‌های نفتی در این کشور نسبت مستقیم‌تری با قیمت‌های نفت‌خام پیدا کند. یعنی با تغییر قیمت نفت‌خام و به تبع آن قیمت فرآورده، نسبت این دو با هم برای مصرف‌کننده آمریکایی بیشتر از مصرف‌کننده اروپایی محسوس است. مالیات بر انرژی بخش عمده‌ای از درآمدهای دولت کشورهای صنعتی را تشکیل می‌دهد. درآمدی که تحصیل آن نیز به آسانی صورت می‌گیرد. تحقیقاتی که در داخل و خارج از اوپک صورت گرفته نشان می‌دهد که از هر بشکه نفت ۱۶-۱۲ درصد منافع‌اش نصیب کشور تولیدکننده، ۱۸-۱۶ درصد نصیب پالایشگر و توزیع‌کننده و بقیه سهم مالیات دولت‌ها (حدود ۷۰ درصد) است. پاسخ تمامی نامه‌های اعتراض‌آمیز دریافتی اوپک این است: این سازمان با نظر شما موافق است قیمت فرآورده‌های نفتی بالاست. اما تلاش برای پایین آوردن آنها نایبستی متوجه اوپک شود بلکه دولت‌های کشورهای مصرف‌کننده را باید نشانه گرفت.

بازار نفت شماره ۳۰۰۸،
نقل از بولتن اوپک

کساکره، ۴۰۰ هزار تن برای واحد گلیکون مونواتیلن، ۵۰۰ هزار تن برای واحد مسونومراستیرن و ۵۰۰ هزار تن برای واحد پلی‌اتیلین دو خطی با چگالی پایین تولید کند.

آروماتیک ۴ و اولفین ۹ بخشی از یک طرح توسعه شرکت ملی پتروشیمی ایران هستند که طبق آن باید ۲۹ پروژه با هزینه‌ای بالغ بر ۲۰/۶ میلیارد دلار از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۳ انجام گیرد. هدف از این پروژه بالا بردن ظرفیت تولید فرآورده‌های پتروشیمی ایران تا ۱۶/۸ میلیون تن در سال است؛ سال گذشته شرکت پتروشیمی ایران مجموعاً ۱۴/۸۴ میلیون تن فرآورده‌های واسطه‌ای و نهایی تولید کرد.

از سوی دیگر میدل ایست اکونومیک سروی اعلام کرد که شرکت ملی نفت ایران نیز برای یک تحقیق هشت ماهه به ارزش ۲/۵ میلیون تن فرآورده‌های واسطه‌ای و نهایی تولید کرد.

از سوی دیگر میدل ایست اکونومیک سروی اعلام کرد که شرکت ملی نفت ایران نیز برای یک تحقیق هشت ماهه به ارزش ۲/۵ میلیون دلار، در مورد سیاست گاز کشور ۹ کشور بین‌المللی را انتخاب کرده است. ایران دارای ۲۱ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز است و از این نظر پس از روسیه، مقام دوم جهان را دارد.

این تحقیق که عرضه گاز ایران و چشم‌اندازهای آتی برای تقاضا تا ۲۵ سال بعد را مورد مطالعه قرار خواهد داد، احتمالاً به بررسی جایگزینی‌هایی برای حوزه عظیم پارس جنوبی نیز می‌پردازد.

برای مثال ممکن است این تحقیق چنین نتیجه‌گیری کند که اگر ایران به جای کشیدن یک خط لوله از جنوب برای عرضه گاز به نواحی شمالی ایران، گاز را از کشورهای حوزه دریای خزر وارد نماید، به میزان زیادی می‌تواند صرفه‌جویی کند.

به گفته میدل ایست اکونومیک سروی با آنکه هنوز قراردادی امضا نشده است، احتمالاً این تحقیق بزودی شروع خواهد شد و ۹ شرکتی که قرار است این کار را انجام دهند شرکت‌های انی (Eni) بی‌جی اینترنشنال، گاز دوفرانس، لاسمو، بی‌پی‌اموکو، شل، بی‌اچ‌پی، پتروناس و توتال فینالاف خواهند بود.

توجهان اقتصادی شماره ۱،
به نقل از فرانس پرس

تردید در سرمایه گذاری و محدود شدن رشد تولید نفت

ترس از بروز یک دوره دیگر توام با رونق و افول احتمالاً موجب محدود شدن رشد عرضه غیراوپیک در چند سال آتی خواهد شد. با وجود افزایش شدید قیمت‌ها در سال گذشته سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی در بخش بالادستی در سه ماهه نخست سال محدود بود به طوری که سرمایه‌گذاری مهمترین شرکت‌های نفتی در بخش بالادستی در این سه ماهه حدود یک پنجم کاهش یافته است.

تولید غیراوپیک قرار است در سال جاری به میزان ۱/۴ میلیون بشکه در روز افزایش و به سطح ۴۶ میلیون بشکه در روز برسد، ولی این رشد تولید حاصل اجرای پروژه‌هایی است که در سال‌های پروتوق ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷ صورت گرفته که مکزیکی هم‌پیمان اوپیک هم از آن جمله است.

چنانچه شرکت‌های نفتی در زمینه اکتشاف و توسعه میادین جدید نفتی سرمایه‌گذاری نمایند مسانعت از کاهش رشد عرضه غیراوپیک غیرممکن خواهد بود. به عبارت دیگر ظرف یک سال آینده و یا کمی بیشتر، اوپیک کنترل امور بازار نفت را کاملاً در اختیار خواهد داشت.

قیمت تک محموله‌ای نفت خام بالای ۲۵ دلار در هر بشکه است ولی برنامه‌ریزی برای آینده محتاطانه صورت می‌گیرد. شرکت شل اخیراً اعلام کرد که هنوز هم در مورد پروژه‌های

درازمدت از سطح قیمت ۱۲ دلار در هر بشکه استفاده می‌کند. حال که ارزش بازار سهام به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافته، شرکت‌ها بیش از آنکه به فکر بالا بردن رشد حجمی تولید باشند، سرگرم بالا بردن و تقویت ارزش سهام خود هستند. در نتیجه، کاهش هزینه‌ها و تهیه مفاصا حساب‌ها بر فعالیت‌های سنتی از قبیل کشف و توسعه حوزه‌های نفتی جدید اولویت یافته است.

شرکت‌های بزرگ نفتی در حال حاضر گاز را به عنوان سوخت قابل مصرف آینده، بر نفت ترجیح می‌دهند و گاز عامل اصلی خرید شرکت آرکو توسط شرکت بی‌پی امرکو بوده است که انتظار دارد میزان تولید گاز آن شرکت در دوره بعد از ۲۰۰۱ به مقدار ۵۰ درصد افزایش یابد.

شرکت‌های اکتشاف و تولید مستقل هنوز هم به دنبال دستیابی به یک راهبرد غیر دوره‌ای برای ارضای سهامداران و جذب سرمایه‌گذاران جدید هستند.

البته شرکت‌های اکتشاف و تولید در اثر سقوط قیمت‌ها شدیداً خسارت دیدند چون در سال‌های قبل که توام با بالا رفتن قیمت‌ها بود خود را درگیر پروژه‌های زیادی کرده و لذا در زمان افت قیمت‌ها، با کاهش نقدینگی مواجه شدند. اگرچه میزان سوددهی به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافته ولی همان شرکت‌ها هنوز به جبران ضرر و زیان‌ها مشغولند و برای جلوگیری از تکرار و بروز اشتباهات گذشته از سرمایه‌گذاری جدید در بخش بالادستی اجتناب می‌نمایند. در حال حاضر دو شرکت انگلیسی انترپرایز و لاسمو در نظر دارند با استفاده از سود حاصل از افزایش قیمت‌ها به جای توسعه فعالیت

در بخش بالادستی، نسبت به خرد مجدد سهام اقدام کنند.

با این وصف، افزایش قیمت‌های نفت موجب رشد بخش خدمات حوزه‌های نفتی شده یعنی حفاری در نیمه دوم سال گذشته از رشد بیشتری برخوردار شد و طبق گزارش شرکت بیکر-هیوز که کار شمارش دکل‌های حفاری را در سطح جهان انجام می‌دهد، تعداد دکل‌ها حدود یک سوم در ماه آوریل و در مقایسه با ماه آوریل سال قبل افزایش یافته است.

البته هنوز تعداد دکل‌های فعال کمتر از تعداد آنها در سال ۱۹۹۷ است، اما شرکت‌های خدماتی مانند بیکر-هیوز، هالبرتن و شلامبرگر شاهد افزایش تقاضا برای فعالیت‌هایشان هستند. با این وصف باید چندین سال بگذرد تا این افزایش فعالیت در بخش حفاری به افزایش بازدهی تولید تبدیل گردد. ناگفته نماند که بخش اعظم فعالیت‌های حفاری به جای نفت در بخش گاز، مخصوصاً در امریکا متمرکز شده، به نحوی که حدود ۸۰ درصد دکل‌ها حفاری امریکا ظرف یک ماه گذشته مشغول حفاری برای گاز بوده‌اند که با میزان ۶۰ درصدی مربوط به سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ قابل مقایسه می‌باشد. در دریای شمال، بخش اعظم فعالیت حفاری سال گذشته بیش از هر چیز بر فعالیت‌های تعمیر و مرمت چاه‌ها و نیز عملیات توسعه‌ای در حمایت از پروژه‌های موجود متمرکز بوده است. حفر چاه‌های اکتشافی و سنجشی در مقایسه با حجم این فعالیت‌ها در دهه ۷۰ به پایین‌ترین سطح خود تنزل یافته و تنها به ۳۳ مورد در انگلیس و ۲۵ مورد در نروژ محدود بوده است. به نقل از اوپیک و بازار نفت، شماره ۸۷

درصد تغییر سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی در بخش بالادستی*

شرکت	سه ماهه اول ۲۰۰۰ / سه ماهه اول ۹۹	۱۹۹۹/۲۰۰۰
بی‌پی امرکو	-۸	-۱۸
شوران	-۱۲	+۱۸
کانوکو	-۳۲	+۲۸
اکسان موبیل	-۳۶	-۲
تکساکو	+۱۰	+۲۶
شل	-۳۶	+۳
میانگین وزنی	-۲۳	+۱۰

* منهای خرید و تصاحب یک شرکت توسط شرکت دیگر